

درس یازدهم : فصل عاشقی

بیا عاشقی را رعایت کنیم ز یاران عاشق حکایت کنیم

عاشق، عاشقی: جناس ناهمسان، مراعات نظیر و اشتقاق / واج آرایی «ا»

از آنها که خونین سفر کرده اند سفر بر مدار خطر کرده اند

واج آرایی «ر» / تکرار: سفر/ سفر خونین کردن کنایه از شهادت/ بر مدار خطر سفر کردن کنایه از شجاعت و دلآوری/ مدار خطر: اضافه استعاری

از آنها که خورشید فریادشان دمید از گلوی سحرزادشان

خورشید، سحر، دمیدن: مراعات نظیر/ فریاد و گلو: مراعات نظیر/ دمید: ایهام تناسب (۱- سرزد (قابل قبول) ۲- فوت کرد (غیر قابل قبول و متناسب با گلو)/ گلو مجاز از دهان/ خورشید فریاد: اضافه تشبیهی/ گلوی سحرزاد: استعاره (تشخیصی)/ زاده شدن گلو از سحر/ سحر زاد کنایه از امید بخش

چه جانانه چرخ جنون می زند دف عشق با دست خون می زند

جنون استعاره از عاشقی/ چرخ جنون زدن، دف عشق زدن کنایه از عاشقی/ با دست خون دف عشق زدن کنایه از شهادت عاشقانه/ دست خون اضافه استعاری/ خون مجاز از شهادت/ دف عشق: اضافه تشبیهی

به رقصی که بی پا و سر می کنند چنین نغمه عشق سر می کنند

سر (عضو بدن) و سر (آغاز): جناس همسان/ بی پا و سر رقصیدن: متناقض نما/ پا، سر: مراعات نظیر/ بی پا و سر رقصیدن کنایه از جان دادن/ بی پا و سر کنایه از تکه تکه بودن بدن شهید/ سردادن کنایه از خواندن نغمه و رقص: مراعات نظیر/ بین نغمه و عشق رابطه تشبیهی وجود ندارد .

هلا مُنکرِ جان و جانان ما بزن زخم انگار بر جان ما

واج آرایی «ا» / «منکر و انکار» و «جان و جانان»: اشتقاق / زخم انکار: اضافه تشبیهی/ جان: تکرار/ واج آرایی «ن»

بزن زخم، این مرهم عاشق است که بی زخم مردن، غم عاشق است

زخم و عاشق: تکرار/ مرهم بودن زخم: متناقض نما/ زخم، مرهم: تضاد/ زخم، مرهم، مردن: مراعات نظیر

مگو سوخت جان من از فرط عشق خاموشی است هان، اولین شرط عشق

واج آرایی «ش» / سوختن جان کنایه از شدت رنج/ «فرط، شرط» و «جان و هان»: جناس ناهمسان (ناقص)

بین لاله هایی که در باغ ماست خاموشند و فریادشان تا خداست

باغ و لاله: مراعات نظیر/ واج آرایی «ا» / لاله استعاره از شهید/ باغ استعاره از کشور/ فریاد داشتن با وجود خاموشی: متناقض نما/ بلندی فریاد شهیدان: اغراق

بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاله ها را حمایت کنیم

لاله و آلاله: جناس ناهمسان/ بیا و با: جناس ناهمسان/ گل، لاله، آلاله: مراعات نظیر/ لاله، آلاله استعاره از شهیدان

www.my-dars.ir